

حضرت بهاءالله می فرمایند :

"بگو ای مردمان به رضای دوست راضی شوید چه که آن چه را او برگزید اوست پسندیده"

پیام آسمانی ج ۱ ص ۵۱

عنوان : توکل

۱- مناجات شروع

۲- لوح حضرت بهاءالله

۳- نصوص حضرت بهاءالله

۴- لوح حضرت عبدالبهاء

۵- نصوص حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۶- سرور دائمی

۷- قسمتی از توفیق حضرت ولی امرالله

۸- باید به خدا اعتماد کنی

۹- "به جمال مبارک توکل می کنیم و جواب او را می نویسیم"

۱۰- تسلیم در برابر اراده الهی

۱۱- شور و مشورت: توکل چه اثرات و فوایدی دارد ؟ چه تجربه ای در این زمینه دارید؟

قسمت اجتماعی

۱۲- برنامه نونهالان و نوجوانان

۱۳- تنفس و پذیرایی

۱۴- مناجات خاتمه

## مناجات شروع

الها معبودا مسجودا

بیک کلمه از کلمات علیا ارض و سما را خلق فرمودی و بیک قطره از دریای جودت وجود را موجود نمودی. توئی مقتدری که قوت و قدرت جبابره ارض و فراغنه بلاد ترا از اراده منع ننمود. ای کریم فقیری ببابت توجه نموده و ضعیفی بحبل اقتدارت تمسک جسته از تو کرم قدیمت را میطلبد و عفو جدیدت را سائل و آمل او را از دریای فضل محروم منما و از کوثر زندگانی ابدی ممنوع مساز توئی قادر و توانا. ای پروردگار ذرات عالم بر غنایت گواهند و بر فضل مقرر و معترف، آیا مثل تو غنی مثل منی فقیر را محروم مینماید؟ حاشا و کلا. أشهد و یشهد کلّ الاشیاء بأنک أنت أکرم الأکرمین و أرحم الرّاحمین.

ادعیه حضرت محبوب ص ۳۲۲

لوح حضرت بهاءالله

بنام یکتا خداوند دانا

نامه ات رسید ندایت را شنیدیم و در سجن اعظم از مالک قدم آنچه مهلت است از برای تو خواستیم. انسان خود بر خیر و نفع خود آگاه نه. علم غیب مخصوص است بذاته تعالی. بسا می شود انسان امری را که به نظرش پسندیده است از حق جل جلاله مسئلت می نماید و بعد کمال ضرر از او حاصل؛ لذا قلم اعلی مقام توکل و تفویض را القا فرمود. بر هر صاحب بصر و ادراکی معلوم و واضح است که از حق جل جلاله آنچه ظاهر می شود از مقتضیات حکمت بالغه بوده و هست و اگر کسی تفویض نماید و توکل کند، آنچه مصلحت او است ظاهر شود. باید به اسباب تمسک نمود، متوکلاً علی الله مشغول گشت.

امر و خلق ج ۳ ص ۴۰۴

نصوص حضرت بهاءالله

"در هر حال از فضل بی منتهای الهی مأیوس نیستیم چه اگر بخواهد ذره را خورشید می نماید و قطره را دریا و صد هزار باب می گشاید در صورتی که انسان گمان یکی از آن در خاطرش خطور نکرده." ۱

"بهشت و جهنم هم در این عالم هست و هم در آن عالم. نفوسی که در این عالم به هر پیش آمدی تسلیم و لازال در حال رضا و بر مقدرات خود خشنود و قانع باشند و ابداً چون و چرا نکنند و شاکر و صابر باشند این نفوس در جنت نعیم اند." ۲

"أَصْلُ كُلِّ الْخَيْرِ هُوَ الْإِعْتِمَادُ عَلَى اللَّهِ وَالْإِنْقِيَادُ لِأَمْرِهِ وَالرِّضَاءُ بِمَرَضَاتِهِ" ۳

"اصل سرمایه و تجارات و امورات ما ذکر حق و ثنای حق و قیام بر خدمت حق جلّ جلاله بوده و هست. الحمد لله در این فقرات خسارتی واقع نه بلکه ربح اندر ربح بوده و مابقی هم انشاء الله به اراده اش محکم و متقن و مبارک خواهد شد، الامر بیده. نفوسی که به او تفویض و توکل و توسل نموده اند آنچه مصلحت ایشان باشد اجرا فرماید هذا حق لا ریب فیهِ." ۴

"وَ إِنْ يَمَسُّكَ الْحُزْنُ فِي سَبِيلِي أَوْ الذَّلَّةُ لِأَجْلِ اسْمِي لَا تَضْطَرِّبْ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبَّ آبَائِكَ الْأَوَّلِينَ" ۵

"بگو ای اهل بهاء مبدا سطوت اقویا قوت شما را سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد بحق توکل کنید و امور را بحفظ او سپارید خداوند به نیروی حقیقت شما را مظفر و منصور خواهد ساخت انه هو المقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام القدره و الاقتدار." ۶

۳- گلزار تعالیم بهائی ص ۱۳۷

۱و۲- پیام آسمانی ج ۱ ص ۵۱

۵- ادعیه حضرت محبوب ص ۱۸۴

۴- آیات الهی ج ۲ ص ۲۲۷

۶- ظهور عدل الهی ص ۱۶۸

## هوالبهی

ای خالص مخلص در دین الله بلایا و محن و آلام آن جناب در سبیل الله فی الحقیقه چون امواج بحر و افواج برّ است و اگر چنانچه سنگ و حجر بود ذاب و آب می شد؛ لکن قوه توکل است که مقاومت می نماید و باید چنین باشد تا در عرصه شهود واضح و مشهود گردد که احبای الهی را قوه ای غیر از این قوه عنصری و طاقتی غیر از این طاقت جسمانی بوده و هست. در جمیع امور حتی در حمل بلایا و رزایا سبیل حق را به جان و دل قبول نمودند و در نزدشان مصیبت، موهبت بود و بلایا، عطایا. امیدواریم که محن و آلام شما من بعد خفت کلیه حاصل کند؛ زیرا زیاده از قسمت خویش برده این حال نوبت ما باشد. رفیق این نمیشود که کل موهبت را تو از میان ببری؛ انصاف هم خوب است؛ چو باده نوش کنی، جرعه ای فشان بر خاک. ایام از قلت بلایا در سبیل محبوب آفاق به بی حاصلی می گذرد بلکه شما همتی کنید و سهمی نیز به ما بدهید...

عبدالبهاء عباس

مأخذ اشعار بهائی ج ۳ ص ۸۴

## نصوص حضرت عبدالبهاء

ای بنده جمال قدم در جمیع امور متوسل به حی قیوم شو و متوکل به رب ودود. قلب انسان تا اعتماد بر حضرت یزدان ننماید راحت و آسایش نیابد؛ بلی سعی و کوشش و جهد و ورزش لازم و واجب و فرض و قصور و فتور مذموم و مقذوح بلکه شب و روز مهمل نباید بود و دقیقه ای نباید از دست داد. چون کائنات سائره باید لیلماً و نهاراً و چون شمس و قمر و نجوم و عناصر و اعیان ممکنات در خدمات مداومت کرد، ولی باید اعتماد بر تأییدات نمود و اتکاء و اتکال بر فیوضات کرد؛ زیرا اگر فیض حقیقت نرسد و عون و عنایت شامل نگردد، زحمت ثمر نبخشد، کوشش فائده ندهد و همچنین تا به اسباب تمسک نشود و به وسائل تشبث نگردد، ثمری حاصل نشود... ۱

ای متوکل علی الله توکل را معنی حقیقی اینست که چون در سبیل الهی قدم نهی از هر قیدی برهی و عیال معیل حقیقی شوی. از هر شغلی و عملی کللال یابی و ملال جوئی. شب و روز را در نشر انفاس طیّب معرفت الله حصر نمائی و اوقات را به ایقاد نار محبت الله صرف. رزق بی وسائط از او برسد. ۲

از خدا خواهیم که در صون حفظ و حمایت الهیه کلّ محفوظ و مصون باشید و همیشه متذکر بذکر الهی و متنبّه و مبتهل و متضرّع به ملکوت رحمانی شوید تا آسایش جان یابید و راحت وجدان. و ممکن نیست انسان بغیر از ذکر الهی در حالتی از حالات راضی شود تذکر است که سبب اطمئنان قلوب است توکل است که سبب انشراح صدور است تضرّع است که سبب تقرّب بدرگاه کبریاست تبّتل است که سبب روشنائی جانست. امیدوارم که همیشه مشام را باین نفحات طیّبه معطرّ دارید. ۳

۱- امر و خلق ج ۳ ص ۴۰۳      ۲- حدیقه عرفان ص ۲۰۰

۳- منتخبات مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۲ ص ۹۸

حضرت عبدالبها در سفر نامه می فرمایند: " توکل و اعتماد باراده و مشیت الهی انسانرا بجائی رساند که باوجود سعی و اهتمام درر امور آرزوئی جز آنچه واقع میشود ندارد و خواهشی غیر از آنچه پیش میآید ننماید در آن حالت جمیع امور را موافق میل و اراده خود ببند و مروج عزت و آسایش خویش شمرد جز اطمینان ، اضطرابی نیابد و غیر از صلح و صفا ، جنگ و جفائی نجوید . چنین سروری دائمی است " .  
گلزار تعالیم بهایی ص ۱۳۹ شماره ۳

#### قسمتی از توقیع حضرت ولی امرالله

از جمله معنی عبودیت محضه آنکه نزد آن اراده مطلقه جز تسلیم و رضا نخواهیم و غیر توکل و اعتماد به آن مشیت محیطه نجوئیم چه بسعی و اهتمام قوانین کلیّه عوالم غیب و شهود تغییر نیابد و آن مقدرات عظیمه و میزان قضای لایتناهی هستی و وجود تبدیل نجوید پس از برای نوع انسان سعی و تدبّر از این دو لازم که اقوال و اعمال خویش را با قانون قدرت کامله مطابقه نماید و کمال تدبّر آنکه شخص بصیر حرکات و سکانات خود را بآن مصدر مطلق و ناموس اعظم معاینه فرماید (نه آنکه غیر آنرا بخواهد) تا افکار بر محور اعتدال دوران کند و آمال مایه کدورت و ملال نگردد و قلب مبارک حضرت انسان و سرور ذاتی و غنای فطری محجوب و مهجور نشود بیگمان یکی از نتایج مهمه شرایع الهیه اینست که انسان در آنچه دست قدرت و نظم الهی به او عنایت فرموده راضی باشد و آنرا بموقع و اعتدال بکار برد و در آن خوش ماند و یقین نماید که هر گاه از آن مقام مقدرّ تجاوز خواهد و رو بعدم اعتماد و توکل نهد بجای سرور کدورت یابد و بعکس اطمینان و سکون اضطرار و فتور ببند بناء علیهذا مظاهر الهیه امر بتوکل و اعتماد باراده غالبه فرمودند....  
مأئده آسمانی ج ۳ ص ۷ و ۸

باید به خدا اعتماد کنی

شاید داستان زندگی همهء ما باشد؛ یعنی وقتی دعا می‌کنیم و خواسته‌های ریز و درشت خود را برای خدا بیان می‌کنیم و بعد ... امان از این صبر خدا که زود جواب نمی‌دهد و تکلیف ما را روشن نمی‌کند! ژولیت تامپسون، از احبّای اولیهء امریکا، واقعه‌ای را از ایّام اقامت حضرت عبدالبهاء در نیویورک چنین بیان می‌کند:

خانم باکتون از راه رسید ... کودک فقیر بی‌خانمانی از نوع بشر نیز وارد شد ... کودک سر تا پا سیاه بود؛ این طفلک بیچاره صورتی رنگ‌پریده داشت و سیمایی اشک‌آلوده. من و لוא در آشپزخانه بودیم. بیرون آمدم؛ صحنه‌ای را دیدم تحت‌الشّاع حضرت عبدالبهاء. مثل همیشه کنار پنجره نشسته بودند. در یک سو دوشیزه باکتون نشسته بود و در سوی دیگر دخترک بیچارهء محنت‌کشیده. هنگامی که داستان زندگی‌اش را که به نحو نومیدکننده‌ای غم‌انگیز بود برای هیکل مبارک تعریف می‌کرد، بزرگترین قطرات اشکی که به عمرم دیده بودم از چشمانش بیرون می‌زد. حضرت عبدالبهاء فرمودند، "محزون مباش، محزون مباش." هیکل مبارک خیلی خیلی آرام بودند ... دخترک گفت، "سه ساله که برادرم رفته زندان. خیلی بی‌عدالتی کردند که انداختنش زندان. تقصیر او نبود؛ دیگران مقصّر بودند که او را تحریک کردند؛ او ضعیف بود؛ قربونی دیگران شد. هنوز چهار سال دیگه باید توی زندان بمونه. شوهر خواهرم که تنها نان‌آور ما بود تازه مرده..." هیکل مبارک فرمودند، "باید به خدا اعتماد کنی؛ باید به او توکل داشته باشی." دخترک هق هق کنان گفت، "اما هر چه بیشتر اعتماد می‌کنم، اوضاع بدتر میشه!"

"هرگز توکل نکردی؛ هیچوقت اعتماد نداشتی."

"اما مادرم همیشه زبور داود می‌خونه. اصلاً سزاوار نیست اینطور خدا ولش کنه! خودم زبور می‌خونم؛ مزبور نود و یک و بیست و سه را هر شب قبل از خواب می‌خونم. دعا هم می‌کنم."

"دعا کردن که فقط زبور خواندن نیست. دعا کردن یعنی اعتماد کردن به خدا و در همه چیز تسلیم شدن به او. باید تسلیم بود و بعد، همه چیز برای تو تغییر خواهد کرد. خانواده‌ات را دست خدا بسپار. خواسته‌ء خدا را دوست داشته باش. کشتی‌های قوی هرگز در دریا مغلوب امواج نمی‌شوند؛ آنها سوار بر موج می‌شوند! حالا برو کشتی قوی باش نه کشتی شکسته."

"حضرت عبدالبهاء" اثر جناب بالیوزی، صفحات ۱۴-۲۱۳

۱۰

تسلیم در برابر اراده الهی

رحمت قابلیت انعطاف در نحوه انجام نقشه‌ها و طرحها را لازم و ضروری می‌شمرد. چه بسا اوقات انجام امور با موقعیتی نا مناسب مواجه می‌گردید در این گونه موارد سر تسلیم در برابر اراده الهی فرود می‌آورد و به آنچه مقدر بود گردن می‌نهاد. او در زندگی شخصی خود نیز به اصل توکل و تفویض پایبند بود و اگر در امری موانع مستولیه به هیچ وجه منتفی نمی‌گردید در برنامه خود تغییر جهت می‌داد. هنگامیکه به اتفاق یاران برای انجام برنامه تبلیغی عازم شوقی پور بودند راه را گم کردند و چون پس از ساعتها موفق به پیدا کردن راه نشدند، رحمت اظهار داشت که قطعاً اراده الهی بوده است و بهتر است که به دهکده دیگری برویم، همراهان با این نظر موافق نبودند چون قبلاً به اهالی شوقی پور اطلاع داده بودند که به دیدارشان خواهند رفت و معتقد بودند که فسخ عزیمت باعث نگرانی و دلواپسی آنان می‌گردد. با این همه ناچار به دهکده کوتاپانی رفتند. چند روز بعد اطلاع یافتند که دسته‌های افراطی مذهبی شوقی پور از دولت خواستار گردیده‌اند که نام قدیمی قریه که اکنون همنام رهبر دیانت بهائی شوقی است تغییر دهند. اگر آن روز مبلغین بهائی به آن دهکده رفته بودند، اوباش خشمگین از آنان با قلوه سنگ و چوب نی که قبلاً آماده کرده بودند پذیرائی می‌نمودند. مدتها بعد احباً به همان قریه که نامش شوقی پور بود سفر کردند و تعداد زیادی از ساکنین آن به جمع اهل بها پیوستند.<sup>۳</sup>

دکتر مهاجر ص ۱۸۵



"به جمال مبارک توکل می کنیم و جواب او را می نویسیم"

کانیچی یاماموتو (Kanichi Yamamoto) در سال ۱۹۰۲ در هاوایی به امر مبارک اقبال کرده بود و میل داشت راجع به اقبال خودش عریضه‌ای به ساحت اقدس حضرت مولی‌الوری تقدیم کند، اما با آگاهی مختصر به زبان انگلیسی، سعی داشت مکتوبش را مرقوم دارد. سرانجام، به پیشنهاد مبلغ بهائی‌اش، خانم الیزابت موتر (Elizabeth Muther)، نامه‌ای به زبان ژاپنی نوشت. حضرت عبدالبهاء به کلیه سؤالاتش پاسخ دادند. موتو چندین نامه به حضرت عبدالبهاء نوشت که همه به زبان ژاپنی بود، برای هر کدام جوابی دریافت داشت. در سال ۱۹۰۴، یکی از نامه‌های موتو توسط هلن گودال به حضرت عبدالبهاء رسید و هیکل مبارک آن را به جناب یونس‌خان افروخته نشان دادند و فرمودند، "خوب، شما که ژاپنی بلد نیستید." جناب دکتر یونس‌خان جواب دادند، "خیر مولای من؛ انگلیسی را هم به زحمت بلدم." با لبخند دلربایی فرمودند، "پس با این مکتوب چه کنیم؟" تعظیم کرده قلباً عرض کردم، "همان کاری که با دیگر مکاتیب انجام می‌دهید." هیکل مبارک فرمودند، "بسیار خوب؛ بسیار خوب؛ به جمال مبارک توکل می‌کنیم و جواب او را می‌نویسیم."

ارل ردمن، در کتاب 'Abdu'l-Baha in Their Midst'، ص ۲۱۶

مناجات خاتمه

الهی الهی توکلتُ علیک و فوّضتُ امری الیک قَدِر لی ما ینفَعُنی فی کلِّ عالمٍ من عوالمک  
انک انت العلیم الخبیر

ادعیه مبارکه ج ۳ ص ۸۸